



دانشگاه زنجان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

زنان در منظومه های داستانی نظامی

استاد راهنما:

دکتر جمیله اخیانی

استاد مشاور:

دکتر مجتبی بشردوست

دانشجو:

مهتاب منصوری

مهر ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم نامہ

تقدیم بہ همسر مہریان و فرزند دلہندم

سپاس نامه

با سپاس ویژه از زحمات بی دریغ سرکار خانم دکتر اخیانی و تشکر از راهنمایی‌های جناب آقای بشردوست، همسر و خانواده‌ام که مرا در گردآوری و تدوین این مجموعه یاری نمودند.

چکیده

زن در ادبیات کهن همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. هرچند در جوامع مردسالار گذشته، این توجه چندان مثبت نبوده است؛ اما نظامی گنجوی، در جامعه مردسالار خود بیشترین عنایت را نسبت به زنان داشته است. برخی از زنان در منظومه های وی به حدی والامقام و محترمند که آدمی را به شک می اندازد که آیا این شاعر در همان جامعه زن ستیز می زیسته است یا نه؟ طیف گسترده ای از زنان در آثار نظامی ایفای نقش می کنند؛ از زنان فرمانروا گرفته تا زنان عادی و البته مهمترین نقش زن در آثار نظامی، نقش معشوقی اوست. زنان در منظومه های وی به عنوان معشوق مطرح شده اند آن هم معشوقانی همه برتر و زیبا. زنانی در آثار وی دیده می شوند که به عنوان حاکم و فرمانروا در کشوری ایفای نقش می کنند، حتی کنیزان نیز در اغلب موارد مورد ستایش این شاعر بزرگ بوده اند. بطور کلی می توان زنان آثار داستانی نظامی را به دو گروه تقسیم کرد: یکی زنانی که نقش های معمول زن در دیگر آثار ادبی را ایفا می کنند مانند مادر، عروس، همسر، معشوقه، کنیز، و دیگر زنانی که دارای نقش هایی جدا از نقش های معمول هستند مانند زنان فرمانروا، جادوگر، شاعر و حتی زنان روسپی و باید گفت در بیشتر موارد زنان مورد ستایش نظامی واقع شده اند. این پایان نامه به بررسی موارد مذکور در آثار نظامی می پردازد.

کلید واژه: نظامی گنجوی، ادبیات باستانی، زنان، جامعه زن ستیز، فرمانروا، معشوق

فهرست

مقدمه	۱
فصل ۱ کلیات	۶
زن در ادبیات فارسی	۶
زن در آثار نظامی	۱۵
زندگی و احوال نظامی	۸
آثار نظامی	۱۰
اصول و مبانی فمینیستی	۲۰
الف: تفسیم‌بندی عمومی و خصوصی	۲۰
ب: برابری و تفاوت	۲۱
ج: پدرسالاری	۲۱
د: جنس و جنسیت	۲۲
بخش اول: تضاد اسلام و فمینیسم در مسائل مبنایی	۲۳
اومانیسم	۲۳
سکولاریسم	۲۳
بخش دوم: تضاد اسلام و فمینیسم در مسائل روبنایی	۲۴
الف- تفاوت زن و مرد از نظر اسلام و فمینیسم	۲۴
ب- تفاوت حقوق زن و مرد از نظر اسلام و فمینیسم	۲۵
ج- مادری	۲۵
د- خانواده از نظر اسلام و فمینیسم	۲۶
پنج گرایش عمده فمینیست‌ها:	۲۶

۲۶	۱- فمینیست لیبرال:.....
۲۶	۲- فمینیست مارکسیست:.....
۲۶	۳- فمینیست رادیکال:.....
۲۷	۴- سوسیال فمینیسم:.....
۲۷	۵- فمینیسم فرامدرن:.....
۲۷	فمینیسم اسلامی:.....
۲۹	مشارکت زنان در زندگی سیاسی.....
۳۰	الگوهای رفتار سیاسی زنان در ایران.....

فصل ۲ نقشهای معمول زنان در آثار نظامی..... ۳۳

۳۳	زنان به عنوان عاشق یا معشوق.....
۳۳	زن به عنوان معشوق.....
۵۲	زن عاشق.....
۶۲	معشوقان برجسته آثار نظامی.....
۶۷	زنان به عنوان عاشق و معشوق داستانی.....
۶۷	زن به عنوان کنیز.....
۶۹	کنیزان مطرب ورقاص.....
۷۴	کنیزان خوالیگر.....
۷۵	کنیز به عنوان ندیمه.....
۷۹	کنیزانی از جنس دگر.....
۸۱	کنیزان عادی.....
۸۶	زن به عنوان عروس.....
۹۱	زن به عنوان مادر.....

۹۲	 مادر لیلی
۹۳	 مادر مجنون
۹۴	 مادر بهرام گور
۹۶	 مادر دختر کرد
۹۶	 مادر بانوی گنبد سپید
۹۷	 مادر اسکندر
۹۸	 مادر روشنگ
۹۹	 مادران دیگر
۱۰۰	 زنان عادی
۱۰۸	 زن به صورت عام

فصل ۳ زنان خاص ۱۱۳

۱۱۳	 زنان فرمانروا
۱۱۴	 مهین بانو
۱۱۷	 شیرین
۱۱۸	 نوشابه
۱۲۲	 ماریه قبطیه
۱۲۲	 فرمانروایان بی نام
۱۲۷	 مادر اسکندر
۱۲۸	 زنان هوشمند و کاردان
۱۲۸	 مهین بانو
۱۳۰	 شیرین
۱۳۳	 کنیزک چینی بهرام گور در هفت پیکر

۱۳۶	همسر ملیخا در هفت پیکر.....
۱۳۶	نوشابه.....
۱۳۹	زنان درباری.....
۱۴۰	همسران شاه.....
۱۴۰	همسران بهرام گور.....
۱۴۴	بانوی گنبد سیاه.....
۱۴۵	بانوی گنبد زرد.....
۱۴۶	بانوی گنبد سبز.....
۱۴۶	بانوی گنبد سرخ.....
۱۴۷	بانوی گنبد پیروزه رنگ.....
۱۴۷	بانوی گنبد صندلی.....
۱۴۸	بانوی گنبد سپید.....
۱۴۹	همسران خسرو پرویز.....
۱۴۹	مریم.....
۱۵۲	شکر اصفهانی.....
۱۵۳	شیرین.....
۱۵۵	همسران اسکندر.....
۱۵۵	روشنک.....
۱۵۶	دختر کیدهندو.....
۱۵۷	کنیزکان.....
۱۵۷	شاهزادگان داستانهای فرعی هفت پیکر.....
۱۶۱	زنان جادوگر و افسونگر.....
۱۶۳	زنان شاعر.....
۱۶۳	زنان روسپی.....

فصل ۴ دیدگاه نظامی نسبت به زن ۱۶۷

زن ستایش شده ۱۶۷

زن ستوده شده با ملاک زیبایی ۱۶۷

زن ستوده شده با ملاک هوش و درایت و نیکو خصال ۱۷۳

زن ستایش شده با ملاک زیبایی و علم و هوش و درایت ۱۷۴

زن نکوهیده شده ۱۸۰

نکوهش زن از زبان زن دیگر ۱۸۲

فصل ۵ آداب و امور مختص زنان ۱۸۸

رسوم مربوط به زنان ۱۸۸

رسوم عربها ۱۸۸

رسوم ایرانیان : ۱۸۹

حجاب و پوشش در منظومه‌های نظامی ۱۹۱

انواع پوشش ۱۹۳

۱- مقنعه ۱۹۳

۲- معجر ۱۹۴

۳- کله‌بند ۱۹۵

۴- قصب ۱۹۵

۵- سرآغوش ۱۹۵

رنگ پوشش ۱۹۶

حجاب از دیدگاه نظامی ۱۹۷

آرایش ها و زیورآلات زنان ۲۰۱

نتیجه گیری..... ۲۰۴

فهرست منابع و مآخذ..... ۲۰۵

مقدمه

هر پدیده‌ای که بتواند بر اذهان مردم تاثیر بگذارد و جزو دغدغه‌های آنان گردد، مورد توجه اهالی ادب قرار گرفته‌است و در ادبیات آن جامعه بازتاب خواهد داشت. جایگاه زن و نوع نگاه به وی نیز یکی از این مقوله‌ها است که همواره مورد بررسی طیف‌های مختلف فکری قرار گرفته و درباره‌ی آن نظره‌های گوناگونی مطرح شده‌است. جایگاه زنان و اختیارات و حقوق آن‌ها در طول تاریخ تغییرات بسیاری داشته است. اگر بخواهیم این جایگاه را از زمان هخامنشیان تا بعد از اسلام بررسی کنیم، این تغییرات را می‌توانیم ببینیم. درباره موقعیت اجتماعی و حدود و اختیارات زنان عهد هخامنشی اطلاعات زیادی نداریم.

«ویل دورانت در مورد آنها می‌نویسد:

در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همان‌گونه که عادت پیشینیان بود منزلتی عالی داشتند، با کمال آزادی و با روی گشاده در بین مردم رفت‌وآمد می‌کردند و صاحب ملک و زمین می‌شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند و می‌توانستند مانند اغلب زنان حاضر، به نام شوهر یا به وکالت از طرف او، به کارهای مربوط به او رسیدگی کنند. پس از داریوش مقام زن مخصوصاً در میان ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کارکردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر گوشه‌نشینی زمان حیض که اجتناب ناپذیر بود امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آنان را در بر گرفت و این خودمبنای پرده‌پوشی در میان مسلمانان به‌شمار می‌رود. زنان بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد آشکارا با مردان آمیزش کنند.» (راوندی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۱۶)

«احوال قانونی زن در طول عهد ساسانیان تحولاتی یافته‌است. بنابر قول بارتلمه از لحاظ علمی و نظری زن در این عهد حقوقش به تبع غیر بود و یا به عبارت دیگر شخصیت حقوقی نداشت، اما در حقیقت زن دارای حقوق مسلمی بوده‌است. پیش از آنکه اعراب مسلمان ایران را فتح کنند، محققاً زنان ایران در شرف تحصیل حقوق و استقلال خود بوده‌اند.» (کریستنسن، ۱۳۸۴: ۲۳۹). «اصل تعدد زوجات در این عهد اساس تشکیل

زندگی به‌شمار می‌رفت. در عمل، عده زنانی که یک مرد می‌توانست داشته‌باشد به نسبت استطاعت او بود. ظاهراً مردمان کم‌بضاعت به‌طور کلی بیش از یک زن نداشتند. رئیس خانه (کدگ خودای=کدخدا) از حق ریاست دودمان (سردایه‌ای دودک=سرداری دوده) بهره‌مند بود. یکی از زنان سوگلی و صاحب حقوق کامله محسوب شده و او را زن‌ای پادشاییها(پادشاه‌زن) یا «زن ممتاز» می‌خواندند. از او پست‌تر زنی بود که عنوان خدمتکاری داشت و او را «زن خدمتکار» (زن‌ای چگاریها) می‌گفتند. حقوق قانونی این دو نوع زوجه مختلف بود. ظاهراً کنیزان زرخرید و زنان اسیر جزو طبقه چاکرزان بوده‌اند. معلوم نیست که عده زنان ممتاز یک مرد محدود بوده‌است یا خیر، اما در بعضی از مباحث حقوقی از مردی که دو زن ممتاز دارد سخن به میان آمده‌است. هر زنی از این طبقه عنوان «بانوی خانه» داشته‌است و گویا هر یک از آنها دارای خانه جداگانه بوده‌است. شوهر مکلف بود که مادام‌العمر زن ممتاز خود را نان دهد. هر پسری تا سن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج دارای همین حقوق بوده‌اند. اما زوجه‌هایی که عنوان چاکر زن داشته‌اند، فقط اولاد ذکور آنها در خانواده پدری پذیرفته می‌شده‌است. (همان: ۲۳۳)

موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن پس از اسلام تغییر بسیاری کرد. «الرجال قوامون على النساء (قرآن) مردان بر زنان برتری و فرمان‌روایی دارند، چه مرد نسبت به زن از خرد و حکمت بیشتری برخوردار است.» (راوندی، ۱۳۸۳: ۳۲۱)

«با اینکه پیامبر با یک دختر باکره یعنی عایشه و چهارده زن بیوه مطلقه ازدواج کرده‌بود و به باکره‌بودن زن پایبند نبوده‌است، معذک بعد از او مسأله بکارت اهمیت ویژه‌یی پیدا کرد مقام زن از آنچه محمد(ص) و اسلام اعلام کردند به تدریج تنزل کرد و دنیای زن از مرد جدا گردید، زن به درون خانه خزید و ارزش و شرف و نجابت زن به باکره‌گی و خانه‌نشینی ارتباط پیدا کرد.» (همان، ۱۳۸۳: ۳۲۱). «بی‌توجهی به مقام و موقعیت اجتماعی زن در بعضی از جوامع اسلامی تا آنجا پیش رفت که حتی متفکران و صاحب‌نظران عالم اسلام به پیروی از سنت عمومی، همواره به مردان توصیه کرده‌اند که در دام فریب و سحر زنان گرفتار نشوند.» (همان: ۳۲۱-۳۲۲)

در ادبیات کهن جهان و همین‌طور در ادبیات فارسی نیز زن از موضوعات بسیار متداول و مهم است؛ شاید دلیل آن، موضوع عشق باشد، چرا که زنان همواره به عنوان معشوق مورد توجه شاعران و نویسندگان مختلف قرار گرفته‌اند. این امر با وجود جامعه مردسالار گذشته، همواره جلوه‌گر شده‌است و زن به عنوان معشوق و یا مادر در ادبیات کهن ظاهر شده‌است. بنابراین پژوهش‌های مربوط به زنان می‌تواند در بسیاری از مطالعات اجتماعی و فرهنگی موثر باشد. اهمیت پژوهش از نظر کاربردی، استفاده از آن در همین مطالعات می‌باشد. از دیدگاه نظری نیز اهمیت پژوهش در شناخت جایگاه زن در آثار نظامی آشکار می‌شود.

پژوهش حاضر نیز در مورد زنان و حضور و جایگاه آنان در منظومه‌های داستانی نظامی می‌باشد. از مهمترین نوشته‌ها و کتاب‌هایی که در آنها به زنان در منظومه‌های داستانی نظامی پرداخته شده‌است یکی زن مبارک درخت برآور اثر دکتر بهروز ثروتیان که شامل افسانه‌های مربوط به زنان از زبان نظامی و مقام زن از دیدگاه این شاعر بزرگ است، کتاب دیگر سیمای دو زن اثر سعیدی سیرجانی است که در آن شیرین درخسرو و شیرین و لیلی در لیلی و مجنون از جهات فرهنگی و اجتماعی و شخصیتی مقایسه گردیده‌اند. فاطمه علاقه نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیمای زن از دیدگاه نظامی» زنان آثار نظامی را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده‌است.

هدف اصلی پژوهش شامل شناخت موقعیت زن در روزگار کهن، شناخت جایگاه زن در آثار نظامی، میزان توجه نظامی به زنان و ارزش وجودی آنها و اهداف فرعی شامل شناخت زنان مورد توجه نظامی، آداب و رسوم مربوط به زنان می‌باشد.

پرسش و فرضیه‌هایی که در این پژوهش مطرح است شامل موارد زیر است: زنان در دوران کهن چه جایگاهی داشته‌اند؟ این جایگاه در آثار نظامی به چه شکل، نمودار شده است؟ آیا نظامی یز مانند هم‌عصرانش زنان را حقیر شمرده است؟ نظامی تا چه میزان تحت تاثیر عزت جامعه مردسالار خود قرار گرفته است؟ آیا دیدگاه‌های فمینیستی را می‌توان با دیدگاه نظامی در مورد زنان، تطابق داد؟

اساس پژوهش حاضر را منظومه های داستانی نظامی تشکیل می‌دهد که شامل خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه (شامل دو کتاب: اقبالنامه و شرفنامه) می‌باشد. دراین پژوهش امور مربوط به زنان از منظومه‌های نظامی گنجوی فیش برداری شد و سپس با طبقه‌بندی فیش‌ها موضوعات رساله مشخص و به بررسی آنها پرداخته شد. همچنین برای تحلیل و بررسی بیشتر به کتب و مقاله‌های مرتبط با موضوع مراجعه شد.

این رساله در چهار فصل به ترتیب زیر تنظیم شده است:

فصل اول به کلیاتی درباره واژه «زن»، نقش «زن» در ادبیات فارسی کهن، «زن» در آثار نظامی، احوال و آثار وی و فمینیسم اختصاص یافته است. در فصل دوم به نقش‌های معمول زنان در منظومه‌های نظامی پرداخته شده‌است که شامل نقش‌های عاشق یا معشوق، کنیز، عروس و مادر می‌باشد. در فصل سوم، زنان خاصی که ویژگی‌های متمایزی با زنان فصل دوم دارند آورده شده است که شامل زنان فرمانروا، زنان درباری، زنان جادوگر و افسونگر، زنان شاعر، زنان روسپی و زن معرکه‌گیر است. در فصل چهارم دیدگاه نظامی درباره زنان در دو بخش زنان ستایش‌شده و زنان نکوهیده‌شده آورده شده‌است. فصل پنجم نیز شامل آداب و امور خاص مربوط به زنان می‌باشد که رسوم مربوط به زنان، حجاب و پوشش زنان و آرایش‌ها و زیورآلات آنها را در برمی‌گیرد.

امید آن است که این پژوهش گامی در جهت شناخت هر چه بیشتر فرهنگ غنی ایران زمین و عوامل موثر بر این فرهنگ باشد.

فصل ۱

کلیات

فصل ۱ کلیات

خانواده کوچکترین رکن سازنده اجتماع است و اگر خانواده سالم باشد بی‌شک جامعه نیز پیشرفت خواهد کرد. زنان به عنوان مادر، همسر و ... از ارکان اساسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند اگرچه در گذشته تنها لازمه یک زن خوب، رعایت عفت و پاکدامنی و خدمت به همسر و خانواده بوده ولی امروزه به رشد فکری و تعالی زنان در جهات مختلف حقوقی و اجتماعی و فرهنگی و... توجه زیادی شده‌است و بسیاری از جنبش‌های اجتماعی محصول این طرز تفکر است.

زن در ادبیات فارسی

«زن در ادبیات کهن فارسی با چهره‌های متفاوت نمایان شده‌است فراموش نکنیم جامعه ایرانی، جامعه‌ای مردسالار بوده‌است و عرف اجتماعی بر بینش عمومی سایه‌گستر بوده‌است. لیکن نیاکان گذشته‌های دور ایرانی، برای جنس زن واژه «زن» را برگزیدند. «زن به معنای «زندگی» و «زاینده‌گی» است.» (دهخدا، ذیل کلمه زن) این واژه در مقابل واژه «مرد» به معنای «میرا» و «مرگ‌پذیر» است و گزینش این واژه نشانگر جایگاه زن در جهان‌بینی باستانی ایران است. بازتاب این جهان‌بینی در شاهنامه فردوسی، شاهکار فرزانه توس پدیدار می‌شود.» (فخرالاسلام، ۱۳۸۵: ۵۴)

«در شاهنامه از مهربانی فرانک، کاردانی سیندخت، دلیری گردآفرید، وفاداری فرانگیس و منیژه و شیرین و سپینود، و دانایی گردیه سخن رفته است، اما در جمع‌بندی کلی زن در شاهنامه دارای قدر و منزلتی برابر با مردان نیست و بارها و بارها از زبان قهرمانان مرد این حماسه مورد سرزنش قرار گرفته است.

نگاه عالم به زن در روزگار حماسه نگاهی از سر تحقیر است و نه تنها ایرانیان که تورانیان و رومیان نیز از داشتن دختر رنج می‌برده‌اند. اگر چه در شاهنامه به مواردی برمی‌خوریم که بر دست زنان کارهای بزرگی صورت می‌گیرد، «اما بیشتر زنان عهده‌دار نقش‌های منفی در داستانهای آن‌اند. این نیز چهره زن را در حماسه

تا حد زیادی از زیبایی انداخته‌است. با این همه فردوسی علیرغم نامهربانی‌های زمانه نسبت به جنس لطیف، دوستار و پشتیبان زنان است و بیش از دیگر روشنفکران دوران زمینداری به زنان بها داده‌است. تصویری که این حماسه‌پرداز از زن خویش در سرآغاز داستان بیژن و منیژه به دست می‌دهد گویای ارجمندی مقام زن در نزد اوست.» (سرامی، ۱۳۶۸: ۷۰۰-۶۹۳)

«از فردوسی و قرن چهارم و هجری که بگذریم، سنایی غزنوی نیز با وجود تاثیرپذیری از اجتماع مردسالار ایرانی، گاه در قالب تمثیل‌های حدیقه الحقیقه نگاهی نیکو به زن دارد. به عنوان نمونه از توکل پیرزنی به خدا اینگونه سخن می‌گوید:

سالکی کرد سر برون زنهفت	کشتک خویش خشک دید و بگفت
کای هم آن نو و هم آن کهن	رزق بر توست هر چه خواهی کن
مرد نبود کسی که در غم خور	در یقین باشد از زنی کمتر
	(حدیقه، ص ۱۰۷)

مولوی بلخی، عارف پرآوازه ایرانی می‌فرماید:

گفت پیغمبر که زن بر عاقلان	غالب آید سخت و بر صاحب‌دلان
باز بر زن جاهلان غالب شوند	کاندر ایشان خوی حیوانی ست بند
پرتو حق است زن، معشوق نیست	خالق است او گوئی‌ا، مخلوق نیست
	(مثنوی، ص ۱۱۳)

در همین قرن، سعدی شیرازی گرچه در بوستان و گلستان گاه تحت تاثیر شرایط تاریخی و اجتماعی زن را طبق عرف قابل قبول آن روزگار معرفی می‌کند، لیکن در غزلیات خود، وصف‌هایی آکنده از زیبایی والایی و ژرفایی احساس نسبت به زن دارد.

نگویم آب و گل است آن وجود روحانی
بدین کمال نباشد جمال انسانی
اگر تو آب و گلی آن چنان که سایر خلق
گل بهشت مخمر به آب حیوانی
(کلیات، ص ۳۲۷)

در دیوان و غزلیات حافظ شیرازی بیتی است که به اعتقاد بعضی ادب‌پژوهان، خطاب به زن گفته شده است.

الحق که به آفرینش خود نازد
ایزد چو تماشای جمال تو کند

نه فقط در آثار نظم که سیمای زن و دوگانگی این چهره، در آثار نثر فارسی نیز هویداست. در تاریخ بیهقی تصویر ماندگار مادر «حسنک وزیر» با سخنان خردمندانه‌اش بسیار چشم‌نواز است. هم چنین مادر عبدالله زبیر در توصیف بیهقی به راستی ماندنی و احترام‌آمیز است.

در کلیله و دمنه مادر شیر و برخوردهای بخردانه و آگاهی همه جانبه‌اش نسبت به زمان، مکان و شخصیت‌ها و نوع رهنمونی فرزندش - در رویارویی با دمنه - نشان از درایت و درک زن دارد. به هر حال حیوان‌های داستان کلیله و دمنه، هر یک استعاره از جنسیت، شخصیت و گروه اجتماعی است. در باب «بوزینه و باخه» زن باخه استعاره از زنان با سیاستی است که برای حفظ همسر به مکر دست می‌یازند و چاره‌ای جز مکر ندارند.» (فخر اسلام: ۱۳۸۵، ۵۶-۵۴)

زندگی و احوال نظامی

حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس بن یوسف نظامی گنجوی از استادان بزرگ و از ارکان شعر فارسی است. مولد او را همه تذکره‌نویسان گنجه دانسته‌اند و او که در اشعارش نسبت خود را به گنجه تصریح کرده است، همه عمر را در آن گذراند و تنها یکبار سفر کوتاهی به دعوت قزل ارسلان به یکی از بلاد نزدیک گنجه کرد و در مجلس آن پادشاه با نهایت اعزاز و اکرام پذیرفته شد. (صفا، ۱۳۷۹: ۳۵۴)

نظامی در آثار خود جای جای، از اهل و خاندان خود یاد می کند، از پدرش یوسف، پسر زکی موبد، از مادرش رئیسه کرد، که مادرصفتانه پیش مرگ او شده است، از خالاش خواجه عمر، از زن اولش آفاق و دو زن دیگرش که هر سه پیش از او از نعمت حیات بی بهره شده اند، اما از پسرش محمد بیش از دیگران سخن گفته است و در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اقبالنامه از او یاد کرده و به او پند داده است و ظاهراً این محمد تنها فرزند او بوده است و خود نظامی نیز در لیلی و مجنون او را یکدانه فتوح و یک لاله آخرین صبح خود می خواند. (احمدنژاد، ۱۳۶۹: ۹)

او کاسه لیس دربار نبود و نمی توانست چنین اندیشه ای را به خود راه دهد. بی گمان در کنار آفرینش اثرهای عظیم خود که گاه به سرودن غزل هایی برای فرمانروا نیز می پرداخت و این کار یکی از سنت های شایسته زمان به شمار می رفت. پاداش فرمانروا به راستی چیزی جز حق الزحمه شاعر نبود. زیان روستای حمدونیان نیز که نظامی به عنوان پاداش از فرمانروا دریافت کرد، بیش از سود آن بود. به احتمال زیاد نظامی از لحاظ مالی در تنگنا نبوده است. بنابر روایتی او با اعضای گروه «اخی ها» که گویا بیشتر آنان در آن زمان از نمایندگان طبقات پیشرو و صنعتکار بوده اند رابطه داشته است. (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۳۲۷)

نظامی مانند غالب بزرگان و دانشمندان ادوار پیشین اسلامی از علوم ادبی (صرف و نحو و بیان و بدیع و عروض) تازی و پارسی و علوم شرعی (قرائت قرآن، تفسیر، اخبار و احادیث فقه) اطلاع داشت و این معنی از اشعار او نیک پیداست. (معین، ۱۳۸۴: ۱۷)

همگان برآنند که نظامی به سال ۶۰۰ ه. ق/ ۱۲۰۳ م در گذشته است. اما به گفته برتلس نشانه هایی به دست است که هر تاریخ پس از آن تا سال ۱۲۱۱ را برتر می شمارد. دستیابی به تاریخ درست را وامدار علی عسکرزاده ایم که سنگ گوری را با تاریخ رمضان ۶۰۵ ه. ق/ ۱۲ مارس ۱۲۰۹ م در جای کنونی یافت. چند سال است که گور سرای نظامی را زیارتگران همچون گورخانه ای قدیمی زیارت می کنند، این آستانه را اکنون حکومتگران شوروی در آذربادگان بازسازی کرده اند. (ریپکا، ۱۳۸۲: ۳۸۶)